

تربیت متعالی

دوره ۲، شماره ۱، ۱۴۰۲

تأثیر امانت‌انگاری منصب علمی در معاشرت اخلاقی معلم و متعلم بر اساس «رسالة الحقوق» امام سجاد(ع)

محمدجواد فلاح

دانشیار، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. fallah@maaref.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین «امانت‌انگاری» مقام و جایگاه استادی، مبتنی بر دیدگاه امام سجاد(ع) در «رسالة الحقوق» است. در این راستا، الزامات و باید و نبایدهای اخلاقی در رابطه تعلیم و تعلم، بررسی شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که براساس دیدگاه امام سجاد(ع) دانش و جایگاه استادی به‌مثابه امانتی از طرف خداست، که همواره بایستی این منصب مورد تذکر استاد قرار گیرد؛ از سویی این منصب همراه با یک نوع ولایتی است که از سوی خدا به استاد واگذار شده است. این نگرش می‌تواند به تعامل مطلوب و مبتنی بر خیرخواهی بین معلم و متعلم بیانجامد. براساس دیدگاه امام سجاد(ع) در فرایند تعلیم و تعلم، الگوی تعامل بین معلم و متعلم براساس مبانی توحیدگرایی، امانت بودن مسئولیت، ولایت داشتن استاد و نیز اصول اخلاقی چون تلاش‌گری، شفقت و مهربانی، نصیح و خیرخواهی و صبر و مراقبت قابل ترسیم است.

کلیدواژه‌ها: امانت‌انگاری، منصب استادی، اخلاق معلمی، رسالة الحقوق، امام سجاد(ع)، تعلیم و تربیت.

استناد به این مقاله: فلاح، محمدجواد (۱۴۰۲). تأثیر امانت‌انگاری منصب علمی در معاشرت اخلاقی معلم و متعلم براساس «رسالة الحقوق» امام سجاد(ع)، تربیت متعالی، ۱(۲)، ص ۲۵-۴۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۳
ناشر: مرکز تربیت معلم مبلغ نوع مقاله: پژوهشی نویسنده‌گان © <https://tarbiyatmotali.ismc.ir/>



۱. مقدمه

از جمله مسائل اخلاقی که به ویژه در اخلاق تدریس مورد توجه و اهتمام قرار گرفته، رابطه استاد و شاگردی است. این مسئله از منظر روانشناختی یا جامعه‌شناسی و رویکردهای دیگر، حائز اهمیت است؛ ولی بررسی اخلاقی آن و دستیابی به نظریه‌های هنجاری مطلوب، مورد دغدغه فیلسوفان اخلاق و صاحب‌نظران حوزه اخلاق و تعلیم و تربیت بوده است. امروزه رابطه استاد و شاگرد از ابعاد مختلف مورد توجه اصحاب تعلیم و تربیت، نظام آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی قرار گرفته است و ضمن ارائه مسائل مختلف آموزشی، تکنولوژی آموزشی و مباحث مبتنی بر فلسفه آموزش و پرورش، ابعاد اخلاقی روابط استاد و شاگرد را با نگاه اخلاق حرفه‌ای بررسی نموده و مورد اهتمام اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه قرار داده‌اند.

اخلاق آموزش و پرورش، اخلاق آموزش عالی و اخلاق تدریس از جمله حوزه‌هایی است که در اخلاق کاربردی به مسائل اخلاقی حوزه تعلیم و تربیت و به ویژه مسئله علم‌آموزی پرداخته و در این زمینه منابع و آثار فراوانی به جامعه علمی پیش‌کش شده است (امیدوار، ۱۳۸۳). در مجموع با این نگاه، مسائل آموزش و تدریس را در محک اخلاقی قرار می‌دهد و براساس نظریات و رویکردهای اخلاقی می‌توان در این باب استدلال‌هایی اخلاقی را طرح کرد. اما مسئله پژوهش حاضر، ارائه الگوی ارتباطی استاد با شاگرد است که در «رسالة الحقوق» امام سجاد(ع) بدان توجه شده است؛ این انتخاب از آن جهت است که نظام آموزشی به ویژه عرصه آموزش و تدریس، که با نقش ویژه و خاص استاد به عنوان اساسی‌ترین عنصر مؤثر در فرایند تدریس رقم می‌خورد، همواره با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه است، که ارائه الگوی معتبر در این زمینه می‌تواند کارگشا باشد.

بنابراین، پرسش پژوهش حاضر این است که یک استاد در محیط درس و فرایند تدریس از نظر اخلاقی چگونه باید با فراگیران تعامل داشته و الگوی مواجهه مطلوب براساس دیدگاه امام سجاد(ع) در «رسالة الحقوق» چگونه است؟ این الگو می‌تواند ضمن تبیین مبانی اثر بخش در حوزه ارتباط استاد و شاگرد، اصول راهنمای اخلاقی را پیش‌روی استاد قرار دهد و در موقعیت‌های خاص و دشوار به استاد مدد رساند. در دیدگاه اسلامی از جهات مختلف این مسئله قابل پیگیری است. محور تبیین در پژوهش پیش‌رو، براساس دیدگاه امام سجاد(ع) سامان یافته است. علی بن الحسین(ع) در «رسالة حقوقیه» به بیان حق شاگرد پرداخته و در پرتو آن نقش استاد و وظایف و تکالیف او را ترسیم نموده است. ایشان در این رساله حق شاگرد را اینگونه بیان می‌کند: «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنْ

۱. علی اکبر غفاری در پاورقی این عبارت را نیز جزء روایت می‌داند و آورده‌اند: «أَيُّ جَعَلَكَ لَهُمْ خَازِنًا أَوْ قِيمًا وَلَعَلَّ سَقَطَ مِنْ قَلَمِ السَّخَّاحِ».

الْعِلْمُ وَ وَّلَاكَ مِنْ خِرَانَةِ الْحِكْمَةِ فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِيمَا وَّلَاكَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُتِمَتْ بِهِ لَهُمْ مَقَامَ الْحَازِنِ الشَّيْقِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاهُ فِي عِبِيدِهِ الصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ الَّذِي إِذَا رَأَى ذَا حَاجَةٍ أَخْرَجَ لَهُ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فِي يَدَيْهِ كُنْتَ رَاشِدًا وَ كُنْتَ لِذَلِكَ أَمَلًا مُعْتَدًا وَ إِلَّا كُنْتَ لَهُ خَائِنًا وَ لَخَلَقَهُ ظَالِمًا وَ لَسَلِيهِ وَ عَزَّهُ مُتَعَرِّضًا^۱ (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۱).

در این فراز، حضرت ویدگی‌هایی را برای استاد مطرح می‌کند که می‌تواند مؤلفه‌های رویکرد حق‌مداری را به عنوان اساس تعامل اخلاقی استاد و شاگرد مطرح نماید. ایشان با مبانی توحیدگرایی، امانت بودن مسئولیت، ولایت داشتن استاد و نیز اصول اخلاقی چون تلاش‌گری، شفقت و مهربانی، نصیح و خیرخواهی و صبر و مراقبت، الگوی مطلوب تعامل استاد و شاگرد را بیان می‌کند.

در پژوهش حاضر ضمن ارائه برخی دیدگاه‌ها و خلاصه‌ای از استدلال‌های اخلاقی در این زمینه، دیدگاه امام سجاد(ع) در «رساله حقوقیه» مورد کاوش قرار خواهد گرفت؛ همچنین با تمرکز بر مبنای معرفتی «امانت دانستن منصب معلمی» به تبیین این مبنا پرداخته و تأثیرات این مبنای ارزشی بر عملکرد استاد، بررسی خواهد شد. روش پژوهش توصیف و تبیین دیدگاه امام سجاد(ع) و تحلیل فرازهای «رساله حقوقیه» مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است.

۲. تبیین امانت‌انگاری به عنوان مبنای سلوک علمی

مبانی باورهای بنیادینی که در مسائل مربوط به یک حوزه اخلاقی بسیار تأثیرگذار است، تاحدی می‌تواند جهت‌دهنده اصلی در خط‌مشیء اخلاق افراد در حوزه‌های اخلاقی قرار گیرد؛ در کلام امام سجاد(ع) در «رسالة الحقوق» می‌توان برخی از این مبانی تأثیرگذار را مشاهده کرد. این مبانی با توجه به توحید ربوبی و جایگاه انسان در خلقت و نسبت بین علم انسان و موهبی بودن آن قابل تفسیر است؛ این مبانی می‌تواند بر نوع عملکرد استاد و شاگرد تأثیرگذار باشد و جریان تعلیم و تعلم را از انتقال مفاهیم علمی صرف، به رابطه‌ای ولایی سوق دهد.

یکی از مبانی مهمی که می‌تواند در نوع عملکرد اساتید مؤثر باشد، مسئله انگاره‌هاست. برخی پژوهشگران اخلاقی جایگاه ویژه‌ای برای عنصر انگاره در اخلاقی‌سازی افراد و جوامع قائل هستند (فرامرز

۱. «و اما حق زیر دست علمی و شاگردت این است که بدانی خدا به‌وسیله علمی که به تو داده و خزانه حکمتی که به تو سپرده، تو را سرپرست شاگردانت ساخته و اگر در این سرپرستی که خدایت داده خوب کار کنی و به جای يك خزانه‌دار، مهربان و خیرخواه مولا باشی نسبت به بنده‌هایش، که صابر و خداخواه است، وقتی نیازمندی ببند، از اموالی که به دست اوست، به او بدهد، سرپرست درستی باشی و خادم با ایمانی هستی و گرنه به خدا خائن و به خلقش ظالمی و متعرض سلب او (این نعمت را از تو) و عزتش شده‌ای»

قراملکی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ اینکه استاد چه تعلق خاطری به شاگردانش داشته باشد و ارتباطات شخصی خود با دانشجویان را چگونه ترسیم می‌کند، تأثیر بسزای در نوع اعمال قدرتش در فضای تدریس و کلاس دارد. براساس این مبنا، نگرش استاد به خود به عنوان کسی که ضمن بهره‌مندی علمی، جایگاه خود را به عنوان امانت در نظر می‌گیرد که بایستی آنگونه که امانت‌دهنده مجاز می‌شمرد، از آن استفاده کند، می‌تواند در زیست اخلاقی استاد تأثیرگذار باشد. این جایگاه به گونه‌ای است که قدرت استاد در اعمال ولایت را نیز توجیه می‌کند. این جایگاه می‌تواند استاد را در به‌کارگیری علم، نافع و تأثیرگذاری در استاد و بهره‌مندی از آن را به گونه‌ای اقتدار مجاز شمارد.

به بیان دیگر، چه چیز می‌تواند منشأ اقتدار استاد شود؟ علم امانی یا علم مستقل! اگر استاد خود را در دانشی که دارد مستقل و بدون استمداد الهی بداند، دچار اقتدار مذموم خواهد شد و اگر منشأ دانش خود را موهبت الهی و علمش را امانتی از جانب خدا بداند، قطعاً نوع عملکردش متفاوت خواهد بود. در صورت اول، شخص در خود قدرت و توان مستقلی می‌بیند و همواره به خود نسبت به چنین داشته‌هایی می‌بالد؛ از این‌رو در معرض تهدید و آسیب‌های فراوانی چون غرور، فخر، تسلط، فریبکاری قرار می‌گیرد؛ زیرا رهاورد چنین تلقی از علم، جز این نیست؛ ولی در نگاه دوم، مهربانی و تلاش برای هدایت و گره‌گشایی از متعلمان، غایت و هدف معلم می‌شود.

بر این اساس در کلام امام(ع) به انگاره صحیح استاد از خود توجه ویژه‌ای شده است و حضرت در اصل چنین نگرشی را برای اساتید و کسانی که در مقام تعلیم هستند، گوشزد می‌نماید و آنها را نسبت به ایجاد چنین نگرشی توصیه می‌کند. از این جهت آنچنان که در کلام امام علی بن الحسین(ع) آمده، استاد باید بداند - یعنی چنین نگرشی را نسبت به خود در وجود و ذهن و قلبش ایجاد کند - که سرپرستی علمی وی امانتی از جانب خدا است که به وی سپرده شده؛ از این جهت منشأ چنین علم و تأثیرگذاری علمی خداست، نه صرفاً توان و قدرت شخصی و حافظه و قدرت ذهنی خود معلم. از این جهت امام سجاد(ع) از تعبیر «جعلک لهم» برای جایگاه استاد یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ لَهُمْ قِيَمًا فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ وَوَلَاكَ مِنْ خِزَانَةِ الْحِكْمَةِ».

براساس این عبارت مشخص می‌شود که امام(ع)، به عنصر امانت و از خدا بودن داشته‌های استاد تذکر می‌دهد و می‌توان از این فراز به چندین مطلب رسید:

(۱) علمی که خداوند در حقیقت به استاد عطاء نموده است؛

(۲) منصبی که خداوند به عنوان ولایت به استاد عطا نموده است؛ و هر دوی این موارد، امانتی است که شخص باید نسبت به آن مراقبت نماید. در نتیجه، اگر انگاره و بینش استاد بر این مهم باشد، قطعاً در نوع

تعاملش با دانشجو، دچار افراط یا تفریط نخواهد شد و با نگاه امانت‌انگارانه در اصلاح نفس خویش و مراقبت از امانت مذکور خواهد کوشید. این فراز از کلام امام سجاد(ع) منجر به پیشگیری از اقتدار ناشایست استاد خواهد شد و مراقبت وی را نسبت به امور اخلاقی و تحکیم‌های ناروا بیشتر خواهد ساخت. دراصل حضرت با این راهبرد، زمینه شکل‌گیری صفاتی که زمینه اقتدار مذموم استاد است را از بین می‌برند.

شاید مهم‌ترین آسیبی که علما و اساتید را تهدید می‌کند، مسئله بهره‌مندی از سواد و دانش است. آنچنان که بیان شد، یکی از مؤلفه‌ها و عوامل اقتدارآفرین که گاهی به شکل مذموم از آن یاد می‌کنند، مسئله توان علمی و تفوق علمی استاد است که او را در تعامل با دانشجو برتر و مسلط می‌سازد که به تعبیر برخی پژوهندگان: «دانش به مثابه منبع اساسی قدرت به صورت نابرابر به نفع استاد توزیع شده است. رابطه قدرتی بین معلم- دانش و دانشجو- دانش، براساس چنین نابرابری شکل می‌گیرد» (یمینی دوزی سرخابی، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

از این رو یکی از ویژگی‌هایی که در نظام‌های آموزشی باعث اقتدار منفی و غیراخلاقی استاد می‌شود، مسئله دانش و سواد استاد است. این ویژگی علمی به واسطه نوع نگرش استاد از خود و احساس توانمندی بیشتر و تسلط علمی و دانایی فراتر از متعلمان، زمینه ظهور برخی اخلاقیات را در شخص فراهم می‌کند. بسیاری از افراد که در خود احساس دانایی بیشتر نسبت به شاگردان می‌کنند، ممکن است دچار غرور، خود بزرگ‌بینی و رفتارهایی ناشی از این صفت اخلاقی شوند. چنین ویژگی ابتدا در دستگاه معرفتی و نوع بینش و معرفت آنان نسبت به اطرافیان تأثیر می‌گذارد و در مرحله بعد، منجر به شکل‌گیری برخی عواطف غیراخلاقی و نهایت باعث ظهور رفتارهای دون شأن استادی می‌گردد. این آسیب‌ها در صورتی شکل می‌گیرد که استاد در مقام علمی خود را مستقل و برخوردار از توانمندی شخصی بداند؛ از این رو خود را دارای علم برتر و دانشجویانش را از مباحث علمی تهی می‌داند. این نوع نگرش زمینه شکل‌گیری یک نوع آتوریته^۱ و اقتدار غیراخلاقی را نیز فراهم می‌کند که باعث می‌شود استاد در تعامل با دانشجویان دچار مشکل شود. شاید بیشترین گوشزدی که در روایات و منابع دینی نسبت به علما شده، در بردارنده همین معناست که اهل علم ممکن است به واسطه غرور علمی در دام‌های غیراخلاقی گرفتار شوند و مرتکب ظلم و بی‌انصافی گردند. بنابراین، امام سجاد(ع) با تذکر این مطلب و تأثیر در دستگاه معرفتی افراد، زمینه بروز این ویژگی غیراخلاقی را گوشزد می‌کنند و با ارائه این راهبرد معرفتی افراد را رهنمون می‌گردند.

در کلمات امام سجاده (ع) این نگرش جایش را به امانت انگاری دانش و منصب استادی داده و از حق رعیت در علم سخن گفته است. در این صورت در مقابل هر حقی باید سخن از تکلیف به میان آورد؛ در اصل حق دانشجو این است که استادش به این تکلیف عمل کند؛ یعنی در درجه اول استاد باید بداند که خداوند وی را به وسیله علمی که به او داده و خزانه حکمتی که به او سپرده، سرپرست شاگردانش ساخته است. در اصل اولین گام در این فراز، علم و معرفت تصور ربطی بودن و وابسته بودن علم استاد به خزانه علم الهی است. این نوع نگرش وابسته و نه مستقل، فواید چندی دارد؛ از جمله اینکه شخص همواره خود را وامدار عنایت الهی می‌داند و معرفت و علمی را که کسب کرده است، بالذات متعلق به خداوند در نظر می‌گیرد؛ نکته دوم اینکه، همواره خود را در معرض از دست دادن و زوال چنین نعمتی می‌بیند؛ این حالت باعث می‌شود شخص به علم و دانش خود نگاه امانت‌انگارانه داشته باشد. نتیجه این نگاه آن است که هر نوع غرور، تکبر و عجبی از بین می‌رود و شخص همواره علم خود را متواضعانه و فروتنانه در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد.

نکته دیگر احساس مسئولیت نسبت به این شغل و حرفه است؛ نگاه از اوایی به علم و اینکه خداوند چنین دانشی را به او عطاء نموده است، برای شخص یک نوع مسئولیت اخلاقی را به همراه دارد تا همواره نسبت به امانتی که به او سپرده شده است، مراقبت نماید. از این رو همواره احساس خطر می‌کند و نسبت به نوع عملکرد خود حساسیت به خرج می‌دهد. پس در این فراز، حضرت توجه استاد به منبع علم و معرفت را گوشزد می‌نماید؛ اینکه سرپرستی علمی شاگردان از جانب خداوند به واسطه علمی که به استاد عطا شده، به او سپرده شده است. اینگونه تفکر، زمینه شکل‌گیری اخلاقی متناسب با فضای علمی را فراهم می‌آورد. این نگرش معرفتی به علم و دانش و نوع نسبتی که تحت عنوان سرپرست و والی از آن یاد می‌کند، مسیر استاد و شاگردی را اخلاقی و مثمر خواهد ساخت. لذا این مقام، جایگاهی می‌شود که در آن شخص مسئولانه سرپرستی و ولایت علمی افراد را قبول می‌کند.

۳. تأثیرات امانت‌انگاری در عملکرد استاد

این مبنای فکری در تعامل و رفتار دیگرگرایانه به ویژه در حوزه آموزش، تأثیرات بسزایی در نحوه عملکرد اساتید و معلمان دارد و باعث می‌شود افراد به شکل کنترل شده اقدام کنند. از این رو امانت انگاری ضمن تضمین عمل اخلاقی به جهت پاسخگو بودن می‌تواند، زمینه مهرورزی و شفقت را در مواجهه با فراگیران فراهم آورد؛ در ادامه به مهم‌ترین تأثیرات این مبنای زیستی بر اساس «رسالة الحقوق» امام سجاده (ع) اشاره می‌گردد.

۱-۳. ضمانت اجرای حق‌مداری و عمل به تکلیف

یکی از ثمرات امانت‌انگاری مقام علم، ضمانت زیست اخلاقی استاد است؛ بدین معنا که چون خود را در مقابل امانت الهی مسئول می‌داند، برای رعایت حقوق شاگردان مراقبت اخلاقی بیشتری را لحاظ می‌کند. در اخلاق، عنصر «ضمانت» اهمیت بسزایی دارد؛ درحقیقت، پرسش اصلی در ضمانت اخلاقی آن است که چه چیز می‌تواند ضامن اخلاقی عمل کردن افراد باشد؟ آیا می‌توان ضامن اخلاقی عمل کردن را وجدان، عقل یا منافع اجتماعی صرف دانست و براساس این‌ها عمل اخلاقی افراد را تضمین کرد؟ آنچه در کلام امام(ع) منعکس شده، نشان‌دهنده آثار و پیامدهای امانت‌انگاری علم در کنترل اخلاقی معلم است. از این‌رو آنچه را که در اخلاق به عنوان محرک، عامل انگیزشی و ضمانت عملی اخلاقی یاد می‌کنند، می‌توان در آخرین فراز کلام امام سجاد(ع) مشاهده نمود. در اصل حضرت، جایگاه علمی را به‌مثابه امانت الهی می‌داند و افراد را پاسخگوی عملکردشان دانسته‌اند. ایشان این نکته را گوشزد می‌کنند که در صورت عدم امانت‌داری، افراد مستوجب چه عقوبتی می‌شوند. از سوی دیگر در اینکه چه چیز می‌تواند به عنوان عامل و انگیزه اخلاقی قرار گیرد، وابسته به نوع مکاتب اخلاقی است. در مکاتب مختلف مثل سودگرایی، دیگرگرایی، قدرت‌گرایی و مکاتب مختلف غایت‌گرا و غیر غایت‌گرا، عامل انگیزشی اخلاق متفاوت است؛ ولی آنچه در کلام امام سجاد(ع) منعکس شده است، یک جنبه سلبی و یک جنبه ایجابی دارد. به عبارت دقیق‌تر، از یک‌سو عامل به اخلاقیات، مؤمن معرفی شده است و از سوی دیگر، کسی که به این امانت یعنی سرپرستی علمی شاگردان خیانت کند، خیانت‌کننده خداوند و رسول دانسته می‌شود. در فراز انتهایی کلام امام(ع) اینگونه آمده است: «وَكُنْتَ لِدَلِكْ أَمَلًا مُعْتَقِدًا وَإِلَّا كُنْتَ لَهُ خَائِنًا وَ لِحَلْقِهِ ظَالِمًا وَ لِسَلْبِهِ وَ غَيْرِهِ مُتَعَرِّضًا».

حضرت بیان می‌دارد که ایمان و اعتقاد به نوع زیست و عمل استاد در قبال امانت سرپرستی علمی شاگردان گره خورده است؛ که اگر این چنین نباشد و شخص به واسطه نوع اعمال و رفتارش با شاگردان دچار خطای اخلاقی شود، به منزله آن است که خیانت کرده و به خلق خدا ظلم نموده است. چرا که خداوند به واسطه این ولایت و سرپرستی علمی که به او بخشید، اهداف مهمی از جمله کمال شاگردان را دنبال نموده است؛ چرا که تعلیم اساساً نیاز به سرپرستی، ولایت و اعمال نفوذ دارد که همان اقتدار است؛ ولی اقتداری که دانشجو و شاگردان را به سمت خیر، نصیحت و کمال رهنمون شود؛ نه اینکه اقتدار براساس نوع روحیات و منش استاد، زمینه مشکلات و انحرافات آنها را فراهم کند. بنابراین، در این فراز حضرت با بیان پیامدها و نتایج چنین مواجهه‌ای با مسئولیت و ولایت علمی افراد، هم انگیزه‌بخشی نموده و هم زمینه تضمین عمل اخلاقی استاد و اقتدار اخلاقی را فراهم آورده است.

۲-۳. اقتدار اخلاقی

امانت دانستن منصب علمی زمینه اقتدار ممدوح و مدیریت مطلوب کلاس را نیز به همراه دارد. اگر منصبی به مثابه امانت باشد، لازمه اش تلاش، محافظت و مراقبت است که نیاز به اعمال یک نوع قدرت تعدیل شده دارد، که از آن به اقتدار یاد می‌شود. در فرهنگ‌های زبان فارسی، واژه قدرت را در مفاهیم «توانستن»، «توانایی داشتن»- با معنی مصدری- و «توانایی» با معنی اسم مصدر- به کار برده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۱، ج ۹، ذیل واژه قدرت). گاهی نیز مترادف با کلمه «استطاعت» و به معنی قوه‌ای که واجد شرایط تأثیرگذاری باشد، به کار رفته است. حتی به «صفتی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد»، معنا شده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۲، ذیل واژه قدرت)؛ با بررسی این معنا می‌توان گفت، این معنا با مفهوم قدرت در علم کلام شباهت زیادی دارد (اسکندری، ۱۳۸۱)؛ البته این مفهوم از زبان عربی است که در اصل از ماده «قدر» به معنای «ظرفیت واقعی و حدّ نهایی و کامل هر چیز» گرفته شده است. بعضی از ارباب لغت «قدرت» را با توجه به رابطه آن با «قدر» معنا کرده‌اند، از جمله: قدرت خداوند بر آفریدگانش به این معناست که ظرفیت و حد نهایی که خود خواسته و اراده کرده است، به آنها می‌دهد.

از آنجایی که در زبان عربی قدرت، با حرف اضافه «علی» متعدی می‌شود، در مفهوم تمکن و تسلط بر کسی یا چیزی به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ذیل واژه قدرت)؛ البته بعضی دیگر آن را به معنی غنا و ثروت گرفته‌اند (همان)؛ که طبعاً با نوعی مجازگویی همراه است و در واقع در اینگونه موارد، «قدرت» را بر عوامل قدرت اطلاق کرده‌اند (اسکندری، ۱۳۸۱، ص ۳۶). مهم‌ترین واژگان مترادف با «قدرت» در زبان عربی را می‌توان «سلطه» و «اقتدار» دانست که در زبان فارسی نیز راه یافته است و به ویژه در اصطلاحات «علوم سیاسی» کاربرد فراوان دارد. در ضمن مفهوم لغوی قدرت و مترادف‌های آن، متضمن معنی اراده است (معین، ۱۳۸۸، ج ۲، ذیل واژه قدرت).

از سویی قدرت را در اصطلاحات علوم مختلف مثل علم کلام، فلسفه، سیاست، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اخلاق تعریف کرده و دیدگاه‌هایی را مطرح کرده‌اند که برخی محققان این تعاریف را ارزیابی و بررسی کرده‌اند (اسکندری، ۱۳۸۱). حال آنچه در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته، اعمال قدرت در یک رابطه اجتماعی بین استاد و شاگرد است که در محیط کلاس اتفاق می‌افتد و بررسی از اعمال چنین قدرتی از منظر اخلاقی است که آیا می‌توان به آن اطلاق خوب یا بد اخلاقی نمود.

در نهایت می‌توان بیان کرد که «اقتدار» مفهومی هنجاری است که قابلیت ویژه‌ای در به‌کارگیری قدرت دارد. همچنین آتوریت به معنای برخورداری از علم و آگاهی وسیع یا مهارت خاص نیز به کار رفته (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵-۱۱۴)؛ البته قدرت مندرج در آتوریت در اینجا غیر از سلطه‌گری

است؛ زیرا سلطه‌گری «برقراری ارتباط غیرصادقانه، غیرصحیح، غیرمستقیم، توأم با احترام ظاهری و کنترل فرد مقابل» دانسته می‌شود (فرامرز قراملکی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲)؛ هرچند در اینکه کنترل کردن و در اختیار خود درآوردن چگونه تفسیر می‌شود، محل تأمل است. به عبارت صحیح‌تر، تشخیص دقیق مرزهای این مفاهیم بسیار مهم است؛ زیرا گاهاً به دلیل تشخیص ناصحیح، مرز اقتدار با سلطه‌گری و قدرت‌نمایی خلط می‌گردد و فرد گرفتار اینگونه رذایل می‌شود. اقتدار بخردانه و از روی صمیمیت از نگاه روان‌شناسان به مفهوم «قاطعیت» نزدیک است که بر پایه چهار مؤلفه صداقت، صراحت، احترام و استقلال فردی استوار است (فرامرز قراملکی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹۳، ۱۴۲). هدایت‌گری اخلاقی و هدایت‌گری علمی، نوعی از تقسیم‌بندی‌های اقتدار از جانب معلمان است. به اعتقاد لیوتار^۱، اقتدار معلم یا به این می‌باشد که مظهر آرمان‌هایی است که شاگردان را به سوی آن هدایت می‌کند و یا مظهر علم و دانشی است، که یادگیرندگان در طلب فراگیری آن هستند (لیوتار، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴). اقتدار، اعمال قدرت دانسته شده، که ناظر به یک فعالیت و کنش است؛ از این جهت می‌تواند اخلاقی یا غیراخلاقی باشد. البته آنچنان که بیان خواهد شد، این معنا از اقتدار، وابسته به عامل اقتدار، انگیزه اقتدار، متعلق اقتدار و درنهایت آثار و ویژگی‌های مترتب بر اقتدار، قابل ارزیابی و داوری اخلاقی است که در تبیین دیدگاه اسلامی به ویژه دیدگاه امام سجاده (ع) در «رساله حقوقیه» بیشتر بدان پرداخته خواهد شد.

آنچه می‌توان از این مفهوم‌شناسی دریافت؛ اینکه قدرت یک برخورداری، توانایی و ایجاد امکان است که می‌تواند در اختیار یک فاعل مختار آگاه یا موجودی بدون برخورداری از این ویژگی‌ها باشد؛ ولی این معنا با اقتدار تفاوت‌هایی دارد، که مجال طرح آن نیست. آنچه به شکل خلاصه برداشت می‌شود، آن است که اقتدار برخورداری و اعمال چنین قدرتی ممکن است ظهور بیرونی داشته باشد یا خیر. در اصل اقتدار در مسئله پیش‌رو یک ویژگی است که در شخصی که از آن برخوردار است، آثاری می‌گذارد؛ که این آثار گاه نماد بیرونی دارد و گاهی ممکن است درونی باشد؛ ولی نتیجه و محصول آن تأثیری است که طرف این اقتدار می‌پذیرد.

اینک در این پژوهش و با توجه به تعریف پیشنهادی خود که متضمن تفسیر آتوریته بر شکل‌گیری آثار مثبت و منفی در اعمال‌کننده اقتدار و پذیرنده آن و مبتنی بر پیامدهایی که به همراه دارد، است؛ اخلاق اقتدار استاد براساس «رساله حقوقیه» تبیین خواهد شد. اقتدار از قدرت است و براساس دیدگاه‌هایی که مطرح شد، برخی طرفدار اقتدار هستند و آن را مفهومی هنجاری قلمداد می‌کنند و برخی آن را ناروا و

غیراخلاقی می‌دانند. عده‌ای نیز در باب اقتدار استاد، دیدگاه‌هایی را در منابع مربوط به تدریس و آموزش مطرح می‌کنند و می‌پرسند که چه چیز عامل قدرت استاد در کلاس است؟ به عنوان نمونه، برخی محققان معتقدند در کلاس درس سه نوع قدرت را می‌توان متمایز کرد، به شکلی که هرکدام را از آنها اگر اعمال شود می‌تواند مانعی برای پیشرفت یادگیری دانشجویان و کلاس باشد. از سویی روش آنها می‌تواند فعالیت‌های کنشگران کلاس درس را موزون و هماهنگ سازد (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۹۳، ص ۴۳).

براساس دیدگاه فوق، قدرت مبتنی بر اهداف آموزشی و مسئله یادگیری مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرد. از سویی این قدرت به شکل‌های مختلفی ترسیم شده است؛ مثل قدرت نهادی (قدرتی که نهاد دانشگاه به استاد می‌دهد)؛ قدرت شناختی (قدرتی که از موقعیت علمی استاد منبعث می‌شود) و قدرت عاطفی (که براساس رابطه احترام‌آمیز استاد و شاگرد شکل می‌گیرد). این سه نوع قدرت هرکدام ویژگی‌های خود را دارد و می‌تواند محمل آسیب‌ها و اشکالاتی از سوی استاد یا دانشجو باشد. در اینجا هدف نقادی تفصیلی این سه مدل از قدرت استاد نیست، با این وصف برخی معتقدند ترکیب این سه نوع قدرت می‌تواند، پارادایم جدیدی به وجود آورد که برخی محققان با اقتباس از اشنایدر^۱ آن را «تأثیر مولد» می‌نامند. نتیجه چنین ترکیبی تأثیر متقابل استاد و شاگرد بر یکدیگر است (همان، ص ۴۵).

آنچه در اعمال چنین قدرتی از جانب استاد مغفول واقع می‌شود را می‌توان در سه ساحت شناخت، عواطف (گرایش) و عملکرد دانست. به نظر می‌رسد بررسی اخلاق اقتدار را نیز می‌توان در این سه عنصر جستجو کرد. در کلام امام سجاده (ع) به این سه مسئله توجه ویژه می‌شود: اینکه افراد اولاً در حوزه شناختی بایستی خود را امین بدانند؛ لذا مجاز به هرگونه اقدام خودسرانه‌ای نیستند؛ ثانیاً، براساس این امانت‌مداری، ضمن احساس مثبت و مطلوب به جایگاه معلمی نسبت به فراگیران نیز ابراز محبت کردند و رفتارهای اخلاقی مناسب را ظهور و بروز دهند. لذا امانت‌انگاری ثمره‌اش برخورداری از نگاه مسئولانه است و اینکه افراد تلقی و نگاهشان به جایگاه استادی مسئولانه و تکلیف‌مدارانه باشد؛ زیرا نگاه حق‌مدارانه و مطالبه‌گرانه می‌تواند در نوع تعاملشان با فراگیران تأثیرگذار باشد. از سویی اگر افراد به جایگاهشان نگاهی استقلال‌گراانه و خودبسندگی داشته باشند، یا در این جایگاه خود را واسطه و نقش خود را واسطه‌ای بدانند نیز، در این مسئله تأثیرگذار است.

۳-۳. مراقبت اخلاقی

از ثمرات امانت دانستن منصب علمی، مراقبت اخلاقی نسبت به این منصب و فراگیران تحت تعلیم

است. تصور و نگاه به جایگاه و مناصبی که افراد در آن از یک نوع قدرت خاص بهره‌مند می‌شود، متفاوت است. افرادی که در جایگاه اقتدارگرایانه خود احساس توانمندی و قدرت منحصر به فرد می‌کنند و مخاطب و طرف ارتباط خود را در جایگاه ضعیف می‌یابند، در تعامل اخلاقی خود با افراد دچار چالش خواهند شد. در این صورت، نوع تعامل اخلاقی در ارتباط با فراگیران وابسته به آن است که از چه نظری به جایگاه خود نگاه می‌کنند. این مسئله از دید پژوهندگان این عرصه به ویژه کسانی که با نگاه اخلاقی به اقتدار نگریده‌اند نیز مغفول واقع شده است.

در این تصویر از اقتدار مسئله استحقاق مطرح شده است؛ آن هم استحقاقی ویژه که استاد به واسطه نقش و خصوصیتی که دارد از آن بهره‌مند می‌گردد. البته اینکه خاستگاه چنین استحقاقی کجاست؟ خود مبحثی است که دیدگاه‌های مختلفی برای آن طرح می‌شود و برخی از مصادیق آن پیش‌تر مطرح شد. سنت، دانش، نظام حاکمیتی، قانون، نظام آموزشی، مردم، شخصیت و ویژگی‌های خاص معلم و استاد می‌تواند به عنوان خاستگاهی برای این حق ویژه باشند؛ حتی که براساس آن استاد می‌تواند تعامل کند. اما آنچه از خاستگاه قدرت استاد در دیدگاه امام سجاد(ع) دریافته می‌شود امری متفاوت به نظر می‌رسد که نه نهاد آموزش، نه توان علمی و نه ویژگی‌های خاص عاطفی استاد مولد آن نیستند؛ بلکه حقیقت چنین اقتداری از مسئولیتی به نام مراقبت نشأت می‌گیرد. بنابراین، امام برای شاگردان از واژه «رعیت» استفاده می‌کند که بیشتر بیان‌کننده مسئولیت اخلاقی استاد است تا منبعی برای اعمال قدرت برای فراگیران. واژه «رعیت» علی‌رغم مفهوم منفوری که تدریجاً در زبان فارسی به خود گرفته، مفهومی زیبا و انسانی داشته است. استعمال کلمه «راعی» در مورد «حکمران» و کلمه «رعیت» در مورد «توده محکوم»، اولین مرتبه در کلمات رسول اکرم(ص) و سپس به وفور در کلمات امام علی(ع) مشاهده شد. این لغت از ماده «رعی» به معنی حفظ و نگهداری است؛ به مردم از آن جهت کلمه «رعیت» اطلاق شده که حکمران عهده‌دار حفظ و نگهداری جان و مال و حقوق و آزادی‌های آنها است (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۲۸-۱۲۹).

در واژه راعی نوعی مسئولیت و هواداری نهفته است. از این رو در روایتی پیامبر(ص)، راع بودن را به معنای مسئول بودن بیان کرده و فرموده‌اند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَلَا مَأْمُومٌ رَاعٍ وَهُوَ الْمَسْئُولُ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الْمَرْأَةُ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا رَاعِيَةٌ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَ الْخَادِمُ فِي مَالِ سَيِّدِهِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ الرَّجُلُ فِي مَالِ أَبِيهِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَ كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ همانا هر کدام از شما نگهدارنده و مسئولید، امام و پیشوا نگهدارنده و مسئول مردم است، زن نگهدارنده و مسئول خانه شوهر خویش است، غلام نگهدارنده و مسئول مال آقای خویش است، همان پس همه نگهدارنده و همه مسئول هستید» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۹).

در «رساله حقوقیه» نیز ابتدا حضرت با عبارت «ثُمَّ حُقُوقُ الرَّعِيَّةِ» به حقوق رعیت در معنای کلی اشاره می‌کند و سپس ذیل این حقوق کلی چهار قسم از رعیت را معرفی می‌نماید: «۱. فَأَمَّا حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ بِالرَّعِيَّةِ... ۲. وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ... ۳. وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النَّكَاحِ... ۴. وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ الْيَمِينِ...» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۲۶-۲۵).

اینکه امام(ع) تحت عنوان رعیت به چهار گروه اشاره می‌کند، بیانگر یک نوع وظیفه‌مندی خاص برای این گروه است. ایشان هرچند بر اصل داشتن ولایت و یک نوع سرپرستی برای این سه گروه دلالت می‌کند؛ ولی این سرپرستی مقرون با یک وظیفه‌مندی خاص صورت می‌گیرد. در اصل می‌توان ویژگی مشترک این چهار حوزه باهم را رابطه سببی آنها دانست و از سویی دیگر، عنصر مراقبت، حفظ و نگهداری در همه مشترک است. افزون بر آن، چون امام(ع) این چهار گروه رعیت را در کنار یکدیگر مطرح می‌کنند، پس می‌توان به تأثیر حوزه‌های سه‌گانه بر یکدیگر به حسب یک نوع اولویت دست یافت؛ گو اینکه دایره سرپرستی، ولایت و اعمال آتوریت اخلاق مدارانه و به تعبیر دقیق‌تر حق مدارانه در رابطه حاکم و والی بیشتر از گروه‌های دیگر است؛ هم به جهت نوع وظایف و تکالیفی که برعهده حاکم است و هم به میزان اثربخشی که می‌تواند در جامعه داشته باشد. نکته دیگر اینکه امام(ع) برای «رعیت سلطان» از واژه «حقوق» که جمع است استفاده می‌کند و برای سه گروه دیگر از واژه «حق». از این جهت گروه اول که مردم‌اند تکلیف بیشتری به عهده حاکمان بار می‌کند و قشر بعدی حق شاگردان است که رعیت در علم معرفی شده‌اند و پس از آن حقوق همسر و در نهایت حقوق مملوک را مطرح می‌کنند که به حسب شرایط تحت ولایت مسلمین بودند. بر این اساس فراز «و اما حق رعیتک فی العلم؛ اما آنهایی که باید تحت مراقبت و حفظ تو در علم‌آموزی باشند...»، بیانگر یک نوع مسئولیت و مراقبت است، که به جهت عاطفی و اخلاقی شخص را به منزله نگهدارنده و دلسوز معرفی می‌کند. لذا در کلام حضرت این ویژگی اخلاقی منعکس شده است.

نکته دیگر در عبارت «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ» آن است، که چنین مراقبتی به عنوان حق متعلم مورد توجه امام(ع) بوده و از آنجایی که همواره حق تکلیف است، معلم و استاد نسبت به رعایت چنین حقی وظیفه دارد و می‌بایست در ادای آن کوشا باشد و براساس آن با متعلم مواجهه و برخورد داشته باشد. این نوع تکلیف‌مداری استاد، او را از به دام افتادن در خودکامگی و قدرت مذمومی که نتیجه‌ای جز ظلم و بی‌پروایی نسبت به شاگردان دارد، نخواهد شد. البته این نکته قطعی است که مراقب به جهاتی باید فراتر، توانمندتر، کامل‌تر و برخوردار از ویژگی‌هایی باشد که بتواند امکان چنین مراقبتی را فراهم سازد. از این‌رو ممکن است اقتضای مراقبت تندی و گاهی سختی مراقبت‌شونده باشد، ولی آنچه باعث می‌شود استاد از

مسیر انصاف و عدالت خارج نشود وظیفه‌مندی او در چنین مراقبتی است. اما پرسشی که مطرح است اینکه اعمال چنین تکلیفی برا ادای حقوق شاگردان چگونه محقق خواهد شد؟ در فراز بعدی این مسئله قابل پیگیری است.

۴-۳. شفقت و مهرورزی

از تأثیرات امانت‌انگاری منصب معلمی، مهرورزی صادقانه به فراگیران است. از این رو امام(ع) پس از توجه دادن به این مبنای معرفتی، معلمان را به یک دستورالعمل عاطفی فرامی‌خواند. در اصل ظهور امانت‌انگاری همراه با عواطفی چون شفقت و دلسوزی همراه است. درحقیقت، ما با دو گونه رفتار مواجه‌ایم؛ رفتاری که از سر مهرورزی و شفقت به شاگردان صورت می‌گیرد و نگاهی که در آن یک نوع قدرت‌طلبی و اقتدار مذموم است. در امانت‌انگاری با حفظ منصب معلم، توجه به اینکه فراگیران امانت‌های الهی هستند، صورت می‌گیرد؛ بنابراین، معلم می‌بایست مراقبت عاطفی خاصی را مدنظر قرار دهد. در اصل اقتدار حالتی روحی-عاطفی و مبتنی بر تصویری است که شخص از جایگاه خود دارد. این تصور با ظهوراتی همراه می‌شود؛ تا جایی که این تجلی و ظهور رفتاری در دیدگاه‌های رقیب، می‌تواند غیراخلاقی و غیرقابل توجیه باشد. در جایی که جایگاه منصب معلمی مبتنی بر نظام آموزشی یا قانون باشد، ممکن است استاد را به خودکامگی، بی‌عدالتی و ستم بکشاند و موجبات تضییع حقوق افراد را برآورد. از سویی اگر تعامل استاد مبتنی بر شخصیت عاطفی و روحی او شکل گیرد، زمینه‌های انحراف اخلاقی، دل‌بستگی، خودشیفتگی و برخی اوصاف غیراخلاقی را فراهم می‌کند. در حالی که وقتی امام(ع) از امانت بودن چنین جایگاهی سخن می‌رانند، منظور ترسیم‌الگویی است که به واسطه نوع تصور و حالت روحی‌ای که شخص نسبت به نقش و مسئولیت خود در تدریس دارد، دچار چنین افراط و تفریط عاطفی در تعامل با فراگیران نخواهد شد. درحقیقت، اصل مسئولیت و جایگاه مراقبتی که استاد نسبت به دانشجویان باید داشته باشد، سبب ایجاد رفتارهایی متناسب با چنین بینش و عواطفی می‌شود؛ بینشی که شخص را به عنوان مسئول می‌شناساند و او را به عنوان شخصی معرفی می‌کند که مسئولیت علمی را همانند یک امانت از خداوند به ارمغان برده است؛ پس باید پاسخگویی وظایف و مسئولیتش باشد. در نتیجه دارای عواطفی می‌شود که در آن به شدت نسبت به فراگیران دلسوز و مهربان است. در این صورت، خروجی رفتار چنین استادی مسئولانه و همراه با موازین اخلاقی خواهد بود. چنین استادی ظلم نخواهد کرد؛ حقوق دانشجویان را پایمال نمی‌کند و انصاف را نیز رعایت خواهد نمود. فراتر از آن، با مهربانی، دلسوزی و مسئولانه آنها را سامان خواهد بخشید. البته پرسش اساسی اینجاست که آیا به صرف داشتن انگاره صحیح از منسب استادی و برخورداری از نگاه مسئولانه و تکلیف‌گرایانه اقتدار مطلوب و اخلاقی محقق خواهد

شد؟ به نظر می‌رسد بیشترین ضعف اخلاقی اساتید از ناحیه عمل است که بین ساحت علم و عمل فاصله انداخته است. از این رو ممکن است کسی به جهت علمی و معرفتی نسبت به این امر که دانش و ولایت علمی‌اش از جانب خداست واقف باشد، ولی در مقام عمل خیلی به این امر پایبند نباشد و ظهور اخلاقی مدنظر در عرصه استادی در ارتباط با شاگردان از وی اتفاق نیفتد. از این باب در فراز بعد امام سجاده (ع) به شکل مشروط به ظهورات اخلاقی اقتدار اشاره می‌کند و توفیق استاد را در مقام علمی‌اش منوط به ظهور و تجلی آن می‌داند. حضرت در توجه دادن به این بعد عملی می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتَ فِيمَا وَّلَاكَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَقُمْتَ بِهِ لَهُمْ مَقَامَ الْخَازِنِ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاةٍ فِي عِبِيدِهِ الصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ الَّذِي إِذَا رَأَى ذَا حَاجَةٍ أَخْرَجَ لَهُ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فِي يَدَيْهِ رَاشِدًا وَكُنْتَ لِذَلِكَ أَمَلًا مُعْتَقِدًا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶، ص ۲۷-۲۶).

در این فراز حضرت ویژگی‌های اخلاقی استاد را پس از بیان بُعد معرفتی بیان می‌کند؛ هرچند نتیجه معرفت به امانت بودن علم و دانش این است که شخص در آنچه خدا ولایت و سرپرستی‌اش را به او سپرده نیکو و درست عمل کند و در مقام عمل و برخورد با شاگردان، آنچه از خیر و عمل نیکوست، انجام دهد. در این فراز سخن امام، عناصر ناظر به عمل‌گرایی استاد بدین شرح آمده است:

۱) احسنتم فیما ولاک: ابتدا حضرت به عنوان یک امر کلی توصیه به عمل نیکو می‌کنند؛ لذا نیکو عمل کردن، بعد عملی اقتدار را نشان می‌دهد؛ البته در کلام امام (ص) به شکل مشروط بیان شده است.

۲) قمت به مقام...: عبارت قیام و قائم شدن به امری، دلالت بر دشواری، زحمت و تلاش برای تحقق امری دارد؛ همان‌گونه که در نماز نیز، بحث از اقامه صلاوة است نه خواندن نماز. این امر نشان می‌دهد برای عملی شدن اقتدار مسئولانه، دلسوزانه و همراه با مراقبت، نیاز به جدیت، تلاش و نوعی اقامه است.

۳) خازن الشفیق الناصح لمولاه فی عبیده الصابر المحتسب: این عبارت به ظهور اخلاقیات در ساحت قلب و عمل اشاره دارد؛ که از یک‌سو به صاحب نعمت و خدا برمی‌گردد که استاد را به عنوان خزینة دار حکمت و علم در جایگاه امانت‌دار قرار داده است و روی دیگر این الزام و عمل اخلاقی به سمت شاگردان برمی‌گردد، که به منزله حاجتمندان و نیازمندان می‌بایست به استاد به منزله امانت‌دار مراجعه کنند. از این جهت صفت شفیق، صابر و محتسب را برای شاگردان و صفت ناصح که به معنی خیرخواهی است را می‌توان در ارتباط با مولا یا خداوند در نظر گرفت. البته می‌توان دو صفت شفیق ناصح را برای خازن و امانت‌دار نیز منظور کرد، که باید نسبت به صاحب امانت این اوصاف را در نظر گیرند و صابر و محتسب را برای شاگردان نسبت داد چون به منزله کسانی‌اند که برای نیازشان به استاد مراجعه می‌کنند. به هر جهت از این اوصاف و ویژگی‌ها برمی‌آید که استاد می‌بایست به منزله خازن و پیمان‌های امانت‌دار خداست و باید خیرخواهانه و دلسوزانه، یا به منزله دلسوزی خیرخواه که از صفت شکیبایی، صبوری و نیز اخلاص

و خداخواهی بهره‌مند است، شاگردان یا همان نیازمندان عرصه علم و دانش را به سر منزل مقصود برسانند. استادی که اقتدارش برخاسته از انگیزه‌های غیراخلاقی است، استعداد شاگردانش را می‌کشد؛ آنان را از شجاعتِ اندیشیدن و پرسیدن باز می‌دارد؛ دانسته یا نادانسته آنها را خوار و زبون بار می‌آورد؛ آنان را رفته‌رفته از بلندهمت‌ی محروم می‌سازد و حتی ممکن است آنان را مجبور به ترك تحصیل کند و اینها همان کارهایی است که در این بخش از سخنان امام سجّاد(ع) با مفهوم «خیانت به خدا و ستمکاری کردن به خلق خدا» خوانده شده است (صحتی سردرودی، ۱۳۹۱، ص ۳۷۶).

به اعتقاد شهید ثانی در کتاب «منیة المرید» آموزگار با شاگردانش باید مانند پزشک با بیمارانش باشد و هر کاری را با امید بهبودی آنها به کار گیرد؛ چرا که بیماری نادانی و روانی سخت‌تر از بیماری‌های جسمانی است. شهید ثانی بیست ادب از آداب آموزگاری را که لازم است استاد آنها را در حق شاگردانش لحاظ کند، می‌شمارد و هر کدام را به تفصیل توضیح می‌دهد و در جایی می‌نویسد: «و کُلُّ خبر ورد فی حقوق الإخوان آتٍ هنا مع زیادة؛ هر خبر و روایتی که در حقوق برادران دینی وارد شده است، اینجا (در حقوق شاگردان) نیز با حقوق فزاینده‌ای می‌آید و تحقّق می‌یابد». این حقوق برادران در کتاب‌هایی مانند «مصادقة الأخوان» از شیخ صدوق (ابن بابویه، ۱۴۰۲ق)، یا «باب حق المومن علی أخیه و اداء حقه» از بخش «کتاب الایمان و الکفر» از کتاب «الکافی» کلینی آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق).

این موضوع برخلاف اقتداری است که وابسته به استقلال، دانش، عقلانیت و شخصیت مستقل استاد است، که ظهوراتی چون خودکامگی دارد. علاوه بر اینکه در سرلوحه چنین اعمال اقتداری، سعی در شکوفاسازی خلاقیت فکری، توان نگاه انتقادی و پویایی مخاطبین، مورد توجه است (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱). همچنین این امر برخلاف تعلیم و تربیتی است که معلم به جهت اقتداری که لازمه حرفه‌اش دارد، یادگیرنده را به نوعی در کنترل خود درمی‌آورد و او را از هرگونه خلاقیت، انتقاد و پویایی سلب می‌کند. اگر معلمین بیشتر به دنبال ایجاد شرایط منفعلانه برای یادگیرندگان باشند، نه تنها از نظر اخلاقی کاملاً مردود است، بلکه گاهاً می‌توان انسانیت او را زیر سؤال برد.

آزادی و انتخاب، دورکن مهم تعلیم و تربیت است و هر علمی با این دو ارزش ستایش می‌یابد. استاد باید تعادلی مطلوب بین آزادی و نظارت ایجاد کند و حدود و ثغور هر یک را مدنظر داشته باشد (مصطفوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). بنابراین، توصیه شده است که حرفه‌ها از جمله این حرفه، قدرت اجتماعی نامرئی و دور از کنترل در اختیار گرفته‌اند، لذا بر این مسئله دقت شود (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۹۹). این تعدیل و احترام به آزادی و ارزش‌های شاگردان تنها زمانی محقق خواهد شد که براساس دیدگاه امام سجّاد و مؤلفه‌های ذکر شده، اقتدار استاد رقم بخورد و گر نه استاد همواره در معرض آتوریت

غیراخلاقی خواهد بود.

۴. نتیجه‌گیری

«امانت‌انگاری» به منزله مبنایی معرفتی می‌تواند نقش بسزایی در زیست اخلاقی معلمان با متعلمان و فراگیران داشته باشد. امام سجاده(ع) در «رساله حقوقیه» خود از حق شاگردان یاد می‌کند و با تعبیر «رعیت فی العلم» استاد را راعی علمی شاگردان معرفی می‌نماید. در این مفهوم که یک نوع مراقبت و رعایت نهفته می‌شود، وظیفه و تکلیف مراقبت از شاگردان به عنوان حق مهم شاگردان معرفی شده است؛ این حق علاوه بر مصادیق معرفتی، مصادیق عاطفی، قلبی و عملی را نیز دربردارد. مهم‌ترین عنصری که می‌توان به عنوان مبنای رفتار اخلاقی استاد با شاگرد در این آموزه در نظر گرفت، مسئله امانت بودن منصب علمی و معلمی است. به عبارت دقیق‌تر براساس این انگاره، منصب استادی به عنوان امانتی معرفی می‌شود که خداوند به شخص ارزانی داشته است تا براساس این امانت، معلم حقوق متعلمان را به نیکی ادا کند و با آنان تعامل داشته باشد. بنابراین، براساس کلام امام سجاده(ع) یک شخص باید به عنوان الزام بدانند، آنچه او از دانش و معلومات علمی بهره دارد از آن خداست و در اصل خداوند وی را به عنوان سرپرست و والی علمی فراگیران قرار داده است. این بعد معرفتی زمینه شکل‌گیری رفتار نیکوی استاد را فراهم می‌کند. این اقتدار که توأمان با دلسوزی، خیرخواهی و نصیحت شاگردان است دارای یک نوع مسئولیت اخلاقی مبتنی بر تأمین رضایت الهی است، که استاد را در مواجهه اخلاق مدارانه با شاگردان مدیریت می‌کند. مسئولیتی که اگر با سستی و کوتاهی انجام شود، شخص را از جرگه امانت‌داری خارج می‌کند و زمینه خیانت و ظلم او به خداوند و شاگردانش را فراهم خواهد ساخت.

این امانت‌انگاری در منصب معلمی تأثیراتی در نوع زیست اخلاقی معلمان خواهد داشت؛ چرا که ضمن تعدیل در نگرش آنها نسبت به فراگیران، ایشان را به منزله نیازمندانی می‌داند که خداوند او را مسئول ارتزاق علمی آنان قرار داده است و نبایستی با کوتاهی در مسئولیت‌های محوله در چنین امانتی خیانت کند. چنین دیدگاهی باعث تضمین رفتار اخلاقی معلم هم خواهد شد؛ چراکه براساس کلام امام(ع) اگر چنین خیانتی صورت گیرد، خداوند جایگاه ارزشی و مقام معلمی را از چنین شخصی سلب خواهد کرد و او مادام در رهن چنین عملکرد غیرمسئولانه‌ای خواهد بود.

آموزش چنین دیدگاهی ژرف از امام سجاده(ع) که به عنوان حقوق متعلمان و فراگیران مورد گوشزد قرار گرفت، می‌تواند ضمن ترمیم و اصلاح بنیان‌های فکری معلمان و استادان، زمینه رفتارهای مسئولانه را در مواجهه با مسائل و مشکلات فراگیران به همراه داشته باشد؛ نگاهی که از اندیشه سودگرایانه و منافع شخصی در مقام و شأن استادی به سمت مسئولیت اخلاقی معلمان و حق‌مداری آنان سوق خواهد یافت.

البته این مهم به معنای عدم مسئولیت سازمان‌ها و نهادهای حکومتی در رعایت شأن و منزلت معلمان نیست؛ بلکه این مسئولیت را به آنان گوشزد می‌کند که برای حفظ کرامت دانش‌آموزان و فراگیران و همچنین توسعه اخلاق‌مداری براساس امانت‌انگاری منصب علمی، بایستی از شأن و منزلت استادان و معلمان مراقبت نمایند و خدمتگزاری به این قشر ارزشمند را در اولویت حاکمیت خویش قرار دهند.

— منابع —

صحیفه سجادیه.

ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۵.

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی*. محقق و مصحح: مجتبی عراقی. قم: دار سیدالشهداء للنشر، ج ۱.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۲ق). *مصداق الاخوان*. با مقدمه سعید نفیسی. کاظمین: مکتبه الإمام صاحب الزمان العامة. اسکندری، محمدحسین (۱۳۸۱). *کالبدشناسی مفهوم قدرت*. حوزه و دانشگاه، شماره ۳۰. اسلامی، محمدتقی؛ دبیری، احمد؛ عزیزاده، مهدی (۱۳۸۶). *چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

امیدوار، ا.ف. (۱۳۸۳). *اخلاق تدریس*. قم: نشر معارف.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۱). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.

صحتی سردودی، محمد (۱۳۹۱). *شرحی بر رساله حقوق امام سجاد(ع)*. قم: فقه الثقلین.

علی بن الحسین (امام چهارم) (۱۴۲۱ق). *رسالة الحقوق*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ دوم.

فرامرزی قراملکی، احد؛ برخوردار، زینب؛ موحدی، فائزه (۱۳۹۵). *اخلاق حرفه‌ای در مدرسه*. تهران: مؤسسه خیریه آموزشی، فرهنگی شهید مهدوی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامیه، ج ۱، چاپ چهارم.

لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۰). *وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش*. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: گام نو.

مصطفوی، مرضیه (۱۳۸۹). *اخلاق تدریس در دانشگاه و آسیب‌شناسی انگیزه تحصیل در دانشجویان*. در: *جمعی از نویسندگان، جستارهایی در اخلاق کاربردی*. قم: دانشگاه قم.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). *سیری در نهج‌البلاغه*. تهران: صدرا.

معین، محمد (۱۳۸۸). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر، چاپ بیست‌وپنجم، ج ۲.

یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۳). *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

تأثير اعتبار المنصب العلمى أمانة في التعامل الأخلاقى بين المعلم والمتعلم بناءً على "رسالة الحقوق" للإمام السجاد(ع)

محمدجواد فلاح

الأستاذ المشارك في جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران. fallah@maaref.ac.ir

الملخص

تهدف هذه الدراسة إلى توضيح "اعتبار الأمانة" في موقف التدريس، بناءً على رؤية الإمام السجاد(ع) في "رسالة الحقوق". في هذا السياق، تمت دراسة متطلبات وما يجب وما لا يجب من الناحية الأخلاقية فيما يتعلق بالتعليم والتعلم. كانت الطريقة البحثية وصفية تحليلية، وتشير النتائج إلى أنه وفقاً لرؤية الإمام السجاد(ع)، فإن المعرفة وموقف التدريس هما أمانة مسندة من الله، ويجب دائماً أن يتم التذكير بهذا المنصب من قبل المعلم. من ناحية أخرى، يترتب على هذا المنصب نوع من الولاية التي تكلف بها الله للمعلم. يمكن أن تؤدي هذه الرؤية إلى تفاعل مرضٍ وقائم على الخير بين المعلم والمتعلم. وفقاً لرؤية الإمام السجاد(ع)، فإن نمط التفاعل بين المعلم والمتعلم في عملية التعليم والتعلم يستند إلى مفاهيم التوحيد، وأن المسؤولية تعتبر أمانة، وأن للمعلم ولاية، بالإضافة إلى مبادئ أخرى من الأخلاق مثل السعي، والرحمة، والنصح، والخير، والصبر، والرعاية.

الكلمات الرئيسية: اعتبار الأمانة، منصب الأستاذ، أخلاق المعلم، رسالة الحقوق، الإمام السجاد(ع)، التعليم والتربية.

Impact of Trustworthiness of Academic Position on Ethical Interaction of Teacher and Student Based on "Risalat al-Huquq" by Imam Sajjad (AS)

Mohammad Javad Fallah

Associate Professor, University of Islamic Education, Qom, Iran. fallah@maaref.ac.ir

Abstract

This research aims to elucidate the "trustworthiness" of the position and status of teaching, based on the perspective of Imam Sajjad (AS) in "Risalat al-Huquq". Accordingly, the ethical requirements and do's and don'ts in the relationship between teaching and learning have been investigated. The research method is descriptive-analytical, and the results indicate that according to the perspective of Imam Sajjad (AS), knowledge and the position of teaching are considered a trust from God, which should always be mentioned by the teacher; on the other hand, this position is accompanied by a kind of guardianship that God has entrusted to the teacher. This approach can lead to desirable interaction based on benevolence between the teacher and the student. According to the perspective of Imam Sajjad (AS), in the process of teaching and learning, the model of interaction between teacher and student is based on the principles of monotheism, trustworthiness of responsibility, guardianship of the teacher, as well as ethical principles such as diligence, compassion and kindness, advice and benevolence, patience and care.

Keywords: Trustworthiness, Teaching Position, Teaching Ethics, Risalat al-Huquq, Imam Sajjad (AS), Education.

Received: 2022/11/19 ; **Revision:** 2022/12/06 ; **Accepted:** 2022/12/24 ; **Published online:** 2023/03/23

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors

